

روزى طلب، محمدحسن، ۱۳۶۲ -	سرشناسه
پرونده مسکوت (بررسی اسناد ایران) آمار ۸ شهریور ۱۳۶۰ در نخست وزیری //	عنوان و نام پدیدآور
تألیف: محمدحسن روزی طلب	مشخصات نشر
تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳	مشخصات ظاهری
۷۴۸ ص	شابک
۲۵۰۰۰۰ ریال، ۶-۶۵۴-۴۱۹-۹۶۲-۷۸	وضعیت فهرست نویسی
قیفا	یادداشت
نمایه	موضوع
واقعه هشم شهریور، ۱۳۶۰	موضوع
ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸، اسناد و مدارک	شناسه افزوده
اسلامی، محمد مهدی، ۱۳۶۲ -	شناسه افزوده
مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی	رده بندی کنگره
۱۳۹۲، ۲/ ۳، ۱۵۹۱ DSR	رده بندی دیویی
۸۲ - ۹۵۵	شماره کتابشناسی ملی
۸۳ - ۳۱۲۹	



مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

عنوان: پرونده مسکوت (بررسی اسناد و اسرار انقراض ۸۰ خرداد ۱۳۶۰ در نخست‌وزیری)

تألیف: محمد حسن روزی‌طلب - محمد مهدی اسلامی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۶۵۴-۶

ISBN: 978-964-419-654-6

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشرانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، پلاک ۱۹۵۰

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶

تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irde.ir

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۷	چرا این کتاب نوشته شد
۲۳	فصل اول: روایت‌های مستایه از روز انفجار
۵۱	فصل دوم: بالاترین نفوذی
۷۷	فصل سوم: بیست و یک منجم
۱۴۳	فصل چهارم: پرونده‌ای که ناتمام ماند
۱۹۹	ضمیمه
۲۰۱	۱. سرانجام شوم فرمانده فتح‌الله
۲۳۷	۲. اظهارات موسوی خنوشینی‌ها درباره‌ی پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری و پاسخ یاران شهید لاجوردی
۲۵۱	۳. پاسخ سازمان مجاهدین انقلاب به اتهامات پیرامون پرونده‌ی انفجار دفتر نخست‌وزیری
۲۷۱	۴. خنوشینی‌ها گفت حکمش اعدام است
۲۸۳	۵. لاجوردی به من گفت شما از رجوی هم خطرناک‌ترید
۳۰۱	۶. سخنرانی شهید لاجوردی در مراسم تودیع
۳۱۳	۷. پرونده‌ی یک تبعیض در دستگاه قضایی

۳۱۷	۸. اعتراضات کلیدی
۳۲۳	۹. خلاصه‌ی پرونده‌ی متهم ردیف دوم
۳۳۱	۱۰. کیفرخواست متهم ردیف دوم
۳۴۱	۱۱. دادگاه ناتمام
۳۵۵	۱۲. گزارش شهید لاجوردی درباره‌ی پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری
۳۸۱	۱۳. چون بی‌حجاب بودم دوست نداشت با ما رفت و آمد کند
۳۹۷	۱۴. گزارش نهایی دادسرای انقلاب درباره‌ی پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری
۴۲۷	۱۵. کمیته‌ی انضباطی دوم ارتش چیست؟
۴۷۵	۱۶. حکم ناموس می‌دهند
۵۰۶	تصاویر
۵۱۵	اسناد
۶۳۵	اسناد کامران
۷۳۱	نعلیه

پیشگفتار

با آغاز سال ۱۳۶۰، تاریخ انقلاب اسلامی ایران سال خونین و مصیبت‌باری بود، با این حال بررسی و شناخت و ترویج این سال و کندوکاو و دقت در ابعاد مختلف و زوایای پیدا و پنهان حوادث نشان می‌دهد که اهمیت تمامی وقایع یکسان نبوده است. در ۷ تیر ۱۳۶۰ با انعقاد دفتر دبیر جمهوری اسلامی شهید بهشتی و ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسیدند و امام و ملت بر غم خود فرو رفته و فقدان آنان اندوهناک شدند. اندکی بعد در روز هشتم شهریور ۱۳۶۰ و در یک اقدام ترویدستی به حلقه حلسه‌ی شورای امنیت کشور که با حضور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و تنی چند از مسئولان برگزار شد، منفجر گردید و شهید رجایی رئیس‌جمهور مکتبی و شهید باهنر نخست‌وزیر محبوب و رئیس شهرستانی کل کشور به شهادت رسیدند.

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) علاوه بر اینکه از آغاز بهسری انقلاب اسلامی در همراهی ظاهری و مزورانه با مردم به غارت پادگان‌ها و مراکز نظامی پرداخته و با تدریج کوشیدند در سازمان‌ها و نهادها امنیتی تازه تأسیس جمهوری اسلامی نیز نفوذ کنند تا ضمن سربریدن به جمهوری اسلامی، به شیوه‌های مختلف نیروهای خود را نیز برای مبارزه با نظام اسلامی و به تعبیر خودشان یکسره کردن کار جمهوری اسلامی سازماندهی کنند. سازمان که پس از عمل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری به نظام اسلامی اعلان جنگ مستحانه داده بود، کوشید تا با ترویج شخصیت‌های برجسته جمهوری اسلامی کار نظام را یکسره کند اما امام با قاطعیت اعلام کرد که ملت ما با ترویر شخصیت‌ها شکست نمی‌خورد.

اثر پیش‌رو با بازخوانی نقش کشمیری و نحوه نفوذ وی در دفتر اطلاعات و تحقیقات

نخست‌وزیری به بررسی روایت‌های مختلف از روز انفجار می‌پردازد. سپس با واکاوی نقش افراد شاغل در نخست‌وزیری و معرفی هریک از آنان پرونده انفجار را بررسی می‌کند و می‌کوشد تحریفات پیرامون آن را بر ملا سازد. در پایان متن کتاب چند گفتگو و متن سخنرانی شهید لاجوردی، گزارش پرونده و اعترافات افراد دخیل در پرونده عیناً آمده است که جهت مطالعه در ابعاد مختلف حادثه برای خوانندگان راهگشاست.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای بررسی تاریخ جمهوری اسلامی و مقابله با تحریفات حادثه ۸ شهریور اقدام به انتشار این اثر کرده است. در پایان متن تقدیر از نویسندگان جوان و توانمند این اثر از همکاران محترم در معاونت‌های فرهنگی هنری و اداری تشکر و قدردانی می‌شود.

مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آنچه در این کتاب می‌توانید، نه یک مقدمه‌ی کلاسیک، بلکه توضیح چند نکته
پیش از مطالعه‌ی کتاب را می‌روست:

۱- پرونده‌ی انفجار وزارت‌وزیری در چند جمله‌ی خلاصه، شامل
پی‌گیری ماجرای انفجار در مجلس شورای امنیت کشور در بعد از ظهر روز
۸ شهریور ۱۳۶۰ است که بر به شهادت محمد علی رجایی رئیس‌جمهوری،
محمدجواد باهنر نخست‌وزیر، عبدالحسین دفتریان کارمند نخست‌وزیری
و وحید دستجردی رئیس‌شهربانی کل کشور شد. عامل این انفجار مسعود
کشمیری، جانشین دبیر شورای امنیت کشور بود که در روزهای ابتدایی
پیروزی انقلاب اسلامی به نهادهای امنیتی نفوذ کرده بود. کشمیری ابتدا
توسط علی‌اکبر تهرانی به کمیته‌ی مستقر در اداره دوم دادگاه ارتش برده شد
و سپس با حمایت‌های محمد رضوی مسئول کمیته‌ی صدا و سیما در نیروی
هوایی شد. در تیرماه ۱۳۵۹ با وقوع کودتای نوژه، کشمیری به عضویت استاد
خشی‌سازی کودتا درآمد و پس از مدت کوتاهی یکی از مهمترین عناصر این
ستاد شد. او در فروردین ۱۳۶۰ مجدداً با معرفی علی‌اکبر تهرانی وارد دفتر
نخست‌وزیری شد و خیلی زود به دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری
رفت و همه‌کاره‌ی این دفتر شد. تابستان سال ۶۰ حوادث گوناگونی بر
جمهوری اسلامی رفت و با انفجار جلسه‌ی شورای امنیت کشور و کشته‌شدن

رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر می‌شد کار نظام را تمام شده دانست، لذا کشمیری در نقش مهمترین نفوذی سازمان، مهمترین کار را برعهده گرفت و در ۸ شهریور ۱۳۶۰ شد آن چه شد. یک روز بعد تشییع جنازه‌ای رجایی و باهنر بود و این بار نیز علی‌اکبر تهرانی نقش‌آفرین شد و جنازه‌ای به نام مسعود کشمیری از خاکسترهای باقیمانده در محل انفجار درست کرد. چند روز بعد مشخص شده بود که کشمیری عامل انفجار است و این مسئله موجب شد تا بسیاری از مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در معرض اتهام قرار گیرند و تعدادی از آنها در مقاطع مختلف دستگیر و بازجویی شوند.

بررسی پرونده‌ی انفجار در سه دوره‌ی زمانی انجام شد: اول از شهریور ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱ که دادستانی کل انقلاب با مدیریت مرحوم آیت‌الله ربانی ملکی و حمایت شهید علی اسماعیلی پرونده را در دست داشت. مرحله‌ی دوم که از شهریور ۱۳۶۱ تا دی ماه ۱۳۶۳ است که پرونده زیر نظر شهید لاجوردی و در شعبه‌ی هفت دادرسی انقلاب تهران پی‌گیری شد و در نهایت مرحله‌ی سوم که از بهمن ۱۳۶۳ تا پایان خرداد ۱۳۶۵ که پرونده با مدیریت عالی محمد موسوی خویینی‌ها به عنوان دادستان کل کشور و توسط معاونت سیاسی دادرسی انقلاب تهران، سید ابراهیم رئیسی و شعبه ۷ دادرسی انقلاب مرکز بررسی شد و در نهایت منجر به آزادی تمامی متهمین و ناتمام ماندن پرونده شد.

تقریباً اکثر اسناد و مدارک مرحله‌ی اول و دوم بررسی این پرونده توسط نگارندگان بررسی شده و حتی‌المقدور در متن کتاب یا به‌صورت مستقیم استفاده شده اما دسترسی به بازجویی‌ها و اسناد بررسی مرحله‌ی سوم مقدور نشد و تنها به خلاصه‌ی پرونده و گزارش شعبه‌ی هفت دادرسی انقلاب مرکز بستند گردید.^۱

۲- همیشه متهمین پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری، این سؤال را مطرح می‌کنند که چرا به پرونده‌ی انفجار هفت تیر ۱۳۶۰ رسیدگی نمی‌شود و این

۱. متن این گزارش را می‌توانید در بخش ضمیمه همین کتاب ببینید.

پرونده در مظان افکار عمومی قرار نمی‌گیرد؟ پاسخ سؤال شاید این باشد که رمز و راز ارتقای مسعود کشمیری از یک عنصر بی‌نام و نشان تا جانشین دبیری شورای امنیت و پس از آن سناریویی که موجب فرار او شد، نه تنها در انفجار هفت تیر که در هیچ یک از مقاطع تاریخ معاصر ایران سابقه نداشته است.

از سوی دیگر فشارهای سنگین سیاسی برای توقف پرونده نیز که در نهایت منجر به مختومه شدن گردید، مزید بر علت است. در عین حال که پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری، پرونده‌ای ویژه با ظرفیتی بالا برای بررسی‌های تاریخی است.

همچنین پرونده‌ی انفجار هفت تیر ۱۳۶۰ گرچه اهمیت سیاسی و امنیتی فراوانی دارد اما حدتکثر در آن قابل توجه است:

اول اینکه انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی رخ داده است که روزانه صدها نفر در آن رفت و آمد داشته‌اند، نه در دفتر نخست‌وزیری و در جلسه شورای امنیت کشور که محل مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های امنیتی کشور بوده است. در ثانی گرچه محمدرضا کلاهی، عامل انفجار هفت تیر به مانند مسعود کشمیری در پروژه‌ی نفوذ حضور داشت اما کلاهی هیچ‌گاه بالاتر از یک نیروی اجرایی صرف در حزب جمهوری اسلامی نرفت و هیچ‌گاه دبیر شورای امنیت کشور نشد. ثالثاً شهید جواد مالکی که مسئول و معتمد کشور بود، خود در انفجار هفت تیر به شهادت رسید و کسی بعداً برای کلاهی جناح‌سازی نکرد و در مسیر بررسی مسئولان سنگ‌اندازی ننمود.

و در نهایت انفجار هفت تیر اولین عملیات بمب‌گذاری تروریستی توسط عوامل سازمان مجاهدین خلق بود و تسامح در امور امنیتی و حفاظت توجیه‌پذیر بود اما در انفجار هشت شهریور همگان می‌دانستند که رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مهمترین اهداف سازمان مجاهدین خلق برای عملیات تروریستی هستند.

۳- مهم‌ترین هدف نگارنده از تدوین کتاب حاضر، مبارزه با تحریف‌ها درباره‌ی پرونده‌ی هشت شهریور است. در این کتاب با تکیه به اسناد معتبر و غیرقابل‌خدشه، به دنبال بیان واقعیت ماجرا بوده‌ام. اظهارات افراد چه در رسانه‌ها و چه در بازجویی‌ها و مستندات درون پرونده، در این کتاب آورده شده‌اند و حتی یک مورد سانسور هم در مورد اسامی افراد ذی‌نفع در این پرونده اعمال نشده است. تنها در فصول ضمیمه، اسامی افرادی که نامشان برای شاهد مثال برخی از عملکردها برده شده، حذف شده‌اند. این افراد نامی در پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری نداشته‌اند و تعدادشان به ۱۰ نفر هم نمی‌رسد.

۴- باقی‌مانده‌ی پس از انفجار هشت شهریور ۱۳۶۰، موج انبوهی از شایعات و اتهامات درباره‌ی برخی افراد به راه افتاد؛ تکیه‌ی نگارنده برای بررسی این شایعات به مطالعه‌ی هزار صفحه‌ای بود که قریب به اتفاق این شایعه‌ها و اتهامات در این پرونده موجود نبود. لذا فقدان برخی مسائلی که در اذهان و افواه درباره‌ی این پرونده وجود دارد، رلی در متن کتاب نیست، به دلیل فقدان آنها در پرونده‌هایی است که نگارنده مطالعه و بررسی کرده است.

۵- ذکر نام افراد در متن یا در ضمیمه‌ی کتاب، دلیلی بر اثبات جرم آنان نیست. نگارنده پس از مطالعه‌ی کل پرونده و مراجعه‌ی حضوری به آقای خسروتهرانی مسئول وقت دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری دریافتیم که او در ماجرای انفجار نخست‌وزیری دختری نداشته است و امکان داشت که ایشان در انفجار هشت شهریور به مقام رفیع شهادت برسد و دیگر جانفشانی‌های ایشان و دیگر حاضرین در جلسه‌ی شورای امنیت کشور برای انقلاب اسلامی بالاترید است؛ با این حال مقررات در برابر بازپرسان و سنگ‌اندازی‌های مکرر در مسیر پرونده بسیار تامل‌برانگیز است. وانگهی قصور یک مقام امنیتی آن هم در بالاترین رده که منجر به کشته‌شدن رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر می‌شود، در همه‌جا یک خطای استراتژیک تلقی

می‌شود که صلاحیت‌های یک مقام امنیتی را به شدت زیر سؤال می‌برد. همچنین ذکر اسامی برخی از افراد همچون مهندس محمد رضوی و اتهام به آنان به هیچ عنوان نافذ خدماتشان در سال‌های پر آشوب ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و دوره‌های بعدی نیست.

۶- عملکرد برخی از متهمین انفجار نخست‌وزیری از جمله محسن سازگارا در سال‌های اخیر و به‌ویژه در فتنه ۸۸ تردیدی باقی نمی‌گذارد که خط نفوذ در سال‌ها قبل با قدرت در کشور دنبال می‌شده است. با این حال در نگارش این کتاب، سوابق و تاریخ را از انتها نخوانیم و عملکرد هر فرد را در زمانه خودش بررسی نماییم.

۷- گرچه در سی اسناد یک پرونده‌ی قضایی- امنیتی، کار پیچیده و دشواری است اما در متن کتاب تنها به ذکر اتهامات و دفاعیات پرداخته و قضاوت را به خوانندگان بدهام. مجدداً تأکید می‌کنم که ذکر نام افراد در پرونده‌ی انفجار نخست‌وزیری تنها برای بررسی و ارائه‌ی یک پرونده‌ی تاریخی صورت گرفته است و دلیلی بر برائت آنان نیست، مضافاً بر اینکه بسیاری از این اتهامات اثبات هم نشده‌اند، در واقع اگرچه سیر نفوذ و ترفیع مسعود کشمیری از یک چهره‌ی گمنام و فاقد سابقه‌ی مبارزاتی به دبیری شورای امنیت کشور در عرض کمتر از سه سال و نحوه‌ی مخفی‌کاری و جسدسازی برای او در مراسم تشییع ۹ شهریور ۱۳۸۸، قلماً نمی‌تواند اتفاقی باشد و حتماً دستی در پشت پرده این مسیر را هدایت می‌کنند؛ اما از سوی دیگر روند پنج ساله‌ی بررسی پرونده نیز در نهایت نتوانست ارتباط متهمان اصلی (به جز علی‌اکبر تهرانی) با شبکه‌ی اطلاعاتی سازمان موسادین خلق را به اثبات برساند.

۸- ظاهراً به دلیل امنیتی‌بودن این پرونده و فشارهای سنگین برای مصون ماندن برخی از متهمین از بازپرسی و سؤال و جواب، نوعی بدبینی خاص در دادرسی انقلاب مرکز نسبت به متهمین به وجود آمده که به‌ویژه در

گزارش‌های شعبه ۷ دادسرای مرکز مشهود است. برخی از این گزارش‌ها در ضمیمه‌ی این کتاب آورده شده‌اند.

۹- کتاب حاضر شامل چهار فصل و شانزده ضمیمه و تعدادی از اسناد پرونده است. در چهار فصل کتاب به مرور آنچه در این پرونده گذشته است، می‌پردازیم و ضمائم نیز عمدتاً به انتشار مجدد اسناد پرونده و گزارش‌های تفصیلی منتشرنشده اختصاص دارند.

۱۰- نگارندگان در چند سال گذشته تمام تلاش خود را برای مستند بودن این کتاب انجام داده‌اند که البته مانع از حق پاسخ‌گویی افرادی که نامشان در این کتاب ذکر شده، نیست؛ وظیفه ماست و بسیار خرسند می‌شویم که پاسخ افرادی که در این کتاب نامشان ذکر شده، را در چاپ‌های آینده این کتاب اضافه کنیم. در روزهای آخر تدوین کتاب به رو، آقای حسن کامران اسنادی مبنی بر برائت خود در این پرونده مشکوک به بودن فردی که به وی اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق را زده است ارائه کرد که این اسناد عیناً به همراه توضیحات آقای کامران در بخش اسناد قرار گرفته است.

۱۱- هرآنچه در این کتاب آمده است در راستای اثبات مسئولیت سازمان مجاهدین خلق در انفجار تروریستی ۸ بهمن ۱۳۶۰ دفتر نخست‌وزیری است. این انفجار در راستای تمام کردن کار نظام جمهوری اسلامی طراحی و اجرا شد و شخص مسعود رجوی آمران انفجار تروریستی و عوامل اطلاعاتی سازمان مجاهدین خلق مانند مسعود رشیدی، مهدی افتخاری، مهدی ابریشمی، هادی روشن‌روان و ... مباشر و معاونان این انفجار هستند. همان‌گونه که مسعود رجوی در دیدارش با ژنرال حبوش از دستگاه اطلاعاتی رژیم بعث صدام، به انجام این عملیات تروریستی اعتراف کرده و اظهار می‌دارد که دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای غربی مانند آمریکا و فرانسه در جریان این اقدام سازمان بوده‌اند.

۱۲- در پایان به روح بلند شهید سید اسدالله لاجوردی درود می‌فرستیم و

مقدمه □

برای مرحوم حاج احمد قدیریان طلب مغفرت می‌کنیم که اگر اعتماد ایشان برای دسترسی ما به اسناد این پرونده نبود، هیچ‌گاه این کتاب تدوین نمی‌شد. همچنین از حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی که مانند همیشه شجاعانه، منصفانه و بزرگوarانه، هزینه‌های انشای ناگفته‌های انقلاب اسلامی ایران را می‌پردازد، سپاسگزاریم.

ما دارد از آقای مهدی رمضانی، معاون انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی که ما را در تدوین این کتاب یاری داد و از تمام دوستانی که در حال‌های گذشته با محبت‌هایشان به ما یاری رساندند، به‌ویژه آقایان محمد رحمانی و حسین فی‌اللهی سپاسگزاری کنیم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمدحسن روزی‌طلب

۸ اسفند ۱۳۹۲